



تکس ها، تصویر جمعی ایران

الان شرایط اقتصادی بسیار متنوع و متغیر است، اصلاً نمی توان عددی را به عنوان خط فقر نام برد. چون دائماً سطح معیشتی و نیازهای عمومی مردم در حال تغییر است اما به طور کلی می توانم این متر مهم را ارائه دهم که تورم فقرزاست. افزایش سطح قیمت ها بر فقرا و بازنشسته ها فشار می آورد. البته وزارت رفاه و سازمان برنامه و بودجه باید در این زمینه محاسبات لازم را انجام داده و رسماً اعلام کنند ما در چه وضعیتی قرار داریم

#### این سیاست ها بر چه مبنایی باید تعریف شود؟

اولین سیاست تثبیت قیمت هاست. دولت باید از قدرت خرید دستمزد بگیر که طبقات متوسط جامعه را تشکیل می دهد، حفاظت کند. دوم سیاست های اشتغالزایی است، یعنی باید هر اقدام و تصمیمی که گرفته می شود، روی اشتغال اثر بگذارد و اگر منجر به صدمه زدن به شغل می شود، آن تصمیم غلط است. سوم حمایت از تولید است نه به صورت لفظی بلکه باید صحنه

اجتماعی کشور به شکلی آرایش داده شود که بیشترین منافع برای تولید کننده باشد. مثلاً در حوزه معاملات مالی به جای اینکه بانک ها و صندوق های خصوصی ایجاد شود و بهره های زیادی بگیرند، سرمایه ها به سمت تولید سوق داده شود. در این صورت اشتغال ایجاد شده و درآمدزایی صورت می گیرد. آن مردم باید بتوانند مایحتاج خود را عزتمندانه و با شرافت بخرند، اینها سیاست های رفاهی است. بخشی از سیاست ها در قالب حمایت از بخش درمان باید اجرا شود. مثل عرضه داروی ارزان قیمت، توسعه بیمارستان های دولتی و گسترش بیمه های درمانی بر مبنای این سیاست باید حداقل ترین هزینه درمانی

#### ما چقدر برای رسیدن به اینها فاصله داریم؟

این با باید از سیاستمداران سؤال کنید، ما در یک دوره تاریخی، جنگ تحمیلی را پشت سر گذاشتیم که مشکلات اقتصادی آن زمان بسیار شدید تر از امروز بود. اما نرخ دارو و درمان ثابت بود، آموزش برای همه فراهم شده بود، نرخ تورم را ثابت نگه داشتیم، مایحتاج ضروری مردم با نرخ متعادل در اختیارشان قرار داشت. مجموع این سیاست ها موجب شده بود تا سبد غذایی افراد از گوشت و مرغ گرفته تا تخم مرغ تأمین

باشد. خب ما از آن دوران خیلی دور نیستیم، به شرط آنکه بسته سیاست های ما به نفع مردم باشد.

#### خط فقر به روایتی ۵ میلیون تومان است، اما در شهرهای بزرگ اگر بخواهیم اجاره و هزینه های روزمره را در نظر بگیریم، به عدد هایی بالاتر می رسیم. خب در این وضعیت چه باید کرد؟

الان شرایط اقتصادی بسیار متنوع و متغیر است، اصلاً نمی توان عددی را به عنوان خط فقر نام برد. چون دائماً سطح معیشتی و نیازهای عمومی مردم در حال تغییر است اما به طور کلی می توانم این متر مهم را ارائه دهم که تورم فقرزاست. افزایش سطح قیمت ها بر فقرا و بازنشسته ها فشار می آورد. البته وزارت رفاه و سازمان برنامه و بودجه باید در این زمینه محاسبات لازم را انجام داده و رسماً اعلام کنند ما در چه وضعیتی قرار داریم. اما افرادی که از این شرایط سود برده و منتفع می شوند، هنوز قانع نشده و تلاش می کنند تا نرخ ها را همچنان افزایش دهند. افرادی به نوعی در بدنه دولت حضور دارند و سیاست های خودشان را تحمیل می کنند؛ همان هایی که باعث افزایش نرخ حامل های انرژی شدند. در واقع دیدگاهی وجود دارد که به دنبال آزاد کردن نرخ هاست. همین الان ما خبرهایی از آزادسازی نرخ دارو می شنویم. برخی نمایندگان مجلس و اشخاص صاحب نفوذ مرتباً این ایده را مطرح می کنند. خب این دیدگاه رفته رفته به یک رفتار و راهبرد تبدیل می شود. شما ببینید چه کسانی به دنبال گران شدن نرخ دارو، یا حتی بلیت هواپیما و نهادهای دامی و افزایش قیمت نان و گوشت هستند. چه کسانی که حذف ارائه ها تحت عنوان هدفمند کردن هستند. آثار همین به ظاهر هدفمند شدن نرخ ها، شرایط اقتصادی امروز است. اگر صاحب نظران و ذینفعان بخواهند که مردم واقعاً به سطح بالاتری از رفاه برسند، باید دست از این هدفمندسازی ظاهری و بازی کردن با رایانه ها بردارند. متأسفانه برخی ها با توجیهات مختلفی در حال افزایش قیمت ها هستند. اما باید به دولت اجازه دهند تا نرخ ها تثبیت شود و به جای واردات، تولید رونق پیدا کند. عده ای با قریب اینکه کالا در اختیار مردم

باشد، از واردات حمایت می کنند، در حالی که این نگاه به تولید ضربه می زند. عناوین مردم فریبانه ای مثل حقوق مصرف کننده و کیفیت بالاتر اجناس خارجی همه به ضرر تولید داخلی است. بالاخره ما باید ببینیم ارتقای سطح رفاه عمومی را می خواهیم یا اینکه عده ای از اشخاص، بتوانند نیازهای لوکس خود را در بازارهای داخلی تأمین کنند؟ شما الان ببینید در بازار مصالح ساختمانی، عالی ترین اجناس ایتالیایی و اسپانیایی ساختمان در بازار موجود است، بله برای کسی که توان خرید این اجناس را برای خانه لوکس خود دارد، خوب است اما همین مصالح خارجی باعث ورشکست شدن تولید کننده داخلی می شود، با اخراج کارگر، بیکاری ایجاد می شود و در نهایت سطح رفاه عمومی کاهش می یابد. باید نهادهای تصمیم گیر همه متفق بشوند که سطح رفاه اجتماعی افزایش یابد. البته این الزاماتی دارد و به همین راحتی نیست.

#### این الزامات چیست و آیا در شرایط فعلی امکان اجرای آنها وجود دارد؟

باید مصرف کاهش پیدا کند، واردات کالاهای لوکس و مشابه خارجی متوقف شود. ارز به تولید و کارخانجات داده شود. نرخ ها

چی. مارشال نویسنده کتاب طبقه و حقوق شهروندی چند دهه پیش تر ضمن بررسی اشکال مختلف از حقوق عمومی ابعاد سه گانه آن را به تفصیل مورد بررسی قرار داده است. از نظر مارشال در بین سه گانه

یغیوب موسوی  
جامعه شناس

حقوق مدنی، حقوق سیاسی و اجتماعی بنیاد اصلی تحولات و نیز مطالبات اجتماعی جامعه ها در دوران جدید را حقوق اجتماعی تشکیل می دهد. ابعاد و اجزای اصلی حقوق اجتماعی شامل توسعه، توزیع و تعمیم خدمات اجتماعی و رفاهی است. منظور از خدمات اجتماعی و رفاهی شامل کالا و خدمات اجتماعی است که احاد جامعه برای تأمین نیازهای روزمره زندگی بدان نیازمند هستند. مسکن، بهداشت و درمان، آموزش و تغذیه، آسایش روح و روان، احساس امنیت از جمله مصادیق و مقولات مهم حقوق اجتماعی و رفاهی است. طبق تحلیل فوق هر نوع دگرگونی و رشد کلا ن در جامعه جدید و دستیابی به اهداف در سایر بخش های حقوق عمومی مستلزم برنامه ریزی و سیاست گذاری در بخش خدمات و رفاه اجتماعی است. از این رو نظام های سیاسی و دولت ها کارگزار و نیز احزاب و نهادهای مدنی در دهه های اخیر راهبردهای اجتماعی خود را بر مبنای بسط و گسترش خدمات رفاهی قرار داده اند. توسعه رفاهی ممکن است از برخی نظرها حاوی معنای منفی و ضد ارزش تلقی شود. بویژه اینکه از نظرها گرایش های چپ و سوسیالیستی در رقابت با اردوگاه سرمایه داری معنا و مفهوم فوق به عنوان پاشنه آشیل نظام سرمایه داری و نقطه انحراف تاریخی آن تلقی و مدام روی آن تبلیغات شده است. جدا از نزاع های مسلکی آنچه در متن تحولات جوامع در دوران اخیر مشاهده می شود و با ارجاع به واقعیت نیازها و مطالبات توده های مردم به خدمات رفاهی و اجتماعی بخش زیر ساختی و تعیین کننده رفتار و احوال عمومی مردم است و رسیدگی و توجه به آن از الزام ها و بایستگی های حکمرانی مدنی و متعهد تلقی می شود. به عبارت دیگر راهبرد بسط خدمات عمومی در جامعه و تأسیس و توسعه نهادهای ماندگار و تلاش در اصلاح ساختار نظام درمانی، بهداشتی، مسکن و خلاصه تأمین حداقل های زندگی عمومی امروزه اساسنامه و نظام نامه سیاسی کلیه جریان های راست و چپ در جهان است.

نظام خدمات عمومی در ایران به عنوان بخشی از حقوق عمومی از ارکان قانون اساسی جمهوری اسلامی پیوسته موضوع و نیز برنامه عمل دولت ها در سال های بعد از انقلاب بوده است.

## مخاطرات کنونی نظام خدمات رفاهی و عمومی کشور

دولت ها طی دهه های بعد از انقلاب تلاش داشته اند خود را حامی و پشتیبان رفاه و برخورداری عمومی مردم معرفی و سیاست ها و روش هایی را به تنوای به اجرا گذاشته اند که بررسی موفقیت یا عدم موفقیت آنها در حوزه تأمین رفاه و خدمات عمومی و نیز تأمین رضایت زیستی و احساس بهر روزمندی خود نیاز به بررسی های اجتماعی بیشتر دارد. آنچه در شرایط کنونی هم در برنامه بودجه بندی در مجلس و هم نظام برنامه ریزی اجتماعی و اقتصادی دولت و نیز در بعد سیاست گذاری کلان مدنظر است مخاطراتی است که متوجه ساختار نظام خدماتی و رفاهی کشور است. مخاطراتی که برخاسته از شرایط کشور در بعد داخلی و خارجی است. پیامد مخاطرات مورد اشاره آثار دراز مدت برای پایداری توسعه و رشد ملی همراه خواهد داشت. ایلمدی کرونا در کشور و تعلل و نارسایی آشکار در برنامه خدمات رفاهی مخصوصاً برای اقشار ضعیف و زیر خط فقر که خود رقم قابل توجهی را در کشور شامل می شوند و نیز کاهش رو به افزایش ارزش پول ملی و تنگنایای برخاسته از آن، افزایش فاصله طبقاتی در کلانشهرها در کنار بروز و ظهور چالش های سیاسی کاذب و زیانبار از یک سو و مخاطراتی که در دنیای لجام گسیخته کنونی متوجه امنیت و رفاه عمومی کشور است و افزایش رقابت های سیاسی بین المللی و تنگ تر شدن دامنه تحریم های امریکایی و به تعبیری تحریم بین المللی اصل و اساس نظام تأمین پایدار خدمات عمومی و رفاهی را مورد تهدید قرار داده است. دولت های بعد از انقلاب عموماً با راهبرد کمک به طبقات محروم و فرودست به قدرت رسیده اند و هر کدام در کارنامه خود اقدام زیادی از خدمات راهسازی، تأمین آب آشامیدنی مناطق شهر و روستا، احداث سد و نیروگاه و توسعه مراکز بهداشت و درمانی از اعلام داشته اند. بدون نادیده گرفتن این تلاش ها باید اعتراف داشت بخش خدمات و رفاه ملی و اجتماعی همچنان گرفتار تأخیر در توسعه و تأمین رضایت بخش عمومی است. تداوم این وضعیت و فرصت دادن به تشدید این مخاطرات در دراز مدت آثار زیان بخشی را متوجه سایر بخش های کشور می کند. موفقیت و پایداری جریان های سیاسی و مدنی در کشور به داشتن راهبردهای بادوام در جهت تأمین رفاه بویژه برای اقشاری است که در ایران ولی نعمت انقلاب نام گرفته اند. نیاز است مال اندیشان سیاسی و اجتماعی برای آینده اجتماعی ایران با اتخاذ روش های عقلانی مسیر تأمین خدمات عمومی مردم را ورای نزاع های سیاسی از چشم انداز ایران پایدار و توسعه یافته ببینند و سیاست هایی در سطح نهادهای تصمیم گیر در جهت مهار و مدیریت مخاطرات کنونی اخذ و به مرحله اجرا بگذارند.

سطح رفاهی و بهداشتی مردم کاهش یافت، محبوبیت او هم تحت الشعاع قرار گرفت. این تعبیرات را البته در کشورهای مختلف اروپایی و امریکایی می بینیم. شما می بینید که دولت ها و رؤسای جمهوری مرتب وضعیت بیکاری و نرخ اشتغال را به مردم گزارش می دهند و هر کس نتواند وضعیت را به سمت تراز مثبت تغییر دهد، آن را به عنوان افتخار به نام خودش ثبت می کند و جالب اینکه کنترل تورم یکی از شاخصه های انتخاب رئیس جمهوری بعدی است. در حالی که آنجا چیزی به نام تورم ۴۰- ۳۰ درصدی وجود ندارد و همه تورم ها یز ۱۰ درصد است. اما دولت ها تلاش می کنند تا بر این شرایط غلبه و از قدرت خرید مردم حفاظت کنند. به نظر

من در دولت های یازدهم و دوازدهم ارزیابی این است که دولت قبل، راهبردهای بهتری را اتخاذ کرد و خود رئیس جمهوری هم حتی اعلام کرد کسانی بودند که به ما می گفتند قیمت ارز آزاد کند همه چیز بهبود پیدا می کند. صادرات افزایش می یابد، تولید رونق می یابد. الان که نرخ ارز بالا رفته آن افراد کجا هستند؟ پس راهبردهای غلطی در مقاطع مختلف داده شد که موجب تصمیم گیری های غلط شد که نتایج آن را الان می بینیم، باید از این گذشته بپند گرفت تا دیگر تکرار نشود. حداقل این اقدامات کنار گذاشته شود. اجرای این سیاست ها امکان پذیر است باید آنها را اجرا کرد. مثل قانون نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی که اتفاقاً این موضوع را پیش بینی کرده است. قانون می گوید وزیر رفاه باید عضو شورای اقتصاد و شوراهای اصلی تصمیم گیری باشد. چرا؟ چون اثر تصمیمی را بر سطح رفاه جامعه ارزیابی کند و اگر آن تصمیم مخیر رفاه مردم بود جلوی آن بایستد. یکی از مشکلات این است که دیگر وزارت رفاهی نداریم. یعنی وزارتخانه ای که چنین وظیفه سنگینی بر عهده داشته یا وزارت کار و تعاون ادغام شده است و عملاً دیگر حفاظت از رفاه اجتماعی در یک وزارتخانه سه قلو در سایه قرار گرفته است، شاید یکی از علت های آسیب به سطح رفاه اجتماعی همین انحلال وزارت رفاه باشد.

#### بودجه بخش رفاه اجتماعی در بودجه امسال ۳۸ درصد رشد داشت، اما آثار این رشد به ندرت در زندگی روزمره مردم دیده می شود، به نظر می رسد بیشتر تراز با اعداد است، چرا که افزایش بودجه به تنه است از سقوط دستمزدهای پایین جلوگیری کند...

اینها اقدامات ظاهری است. البته این حمایت ها اثراتی را به دنبال داشته؛ مثلاً بخشی از کاهش قدرت خرید بازنشستگان از طریق بودجه ترمیم می شود اما مثل این می ماند که ما دست یک نفر را زخم کنیم و دنبال بخیه کردن باشیم. در بودجه امسال نرخ ارز حدوداً ۱۲ هزار تومان در نظر گرفته شده است. این شاید بزرگترین خطای بودجه ای باشد چرا که دولت نباید نرخ ارز را افزایش دهد و از این محل برای خودش درآمد تأمین کند. این درآمد نیست، صدمه زدن به سطح رفاه اجتماعی مردم است. بودجه جدا از اینکه سند دخل و خرج دولت است، کارکرد کلان و توسعه ای دارد. بودجه یک برنامه یک ساله است برای تحقق برنامه های بلند مدت و تحقق اهداف قانون اساسی. در لویج بودجه باید مشخص شود که ما برای رسیدن به رفاه قانون اساسی، چند قدم برداشته ایم. متأسفانه بودجه های ما فاقد چنین ویژگی هستند و در این زمینه در مسیر درستی قدم بر نمی داریم.

دولت، دولت موفقی نبوده است. به هر حال مهم این است که در نهادهای سیاست گذاری، آثار و تبعات کاهش سطح رفاه اجتماعی مشخص شود و به آن حساس شوند. یکی از زمینه هایی که در جوامع امروزی برای ارزیابی عملکرد دولت ها به کار گرفته می شود، انتخابات است. طبیعتاً وقتی مردم از شرایطی ناراضی باشند به سراغ احزاب رقیب می روند و عملاً آن حزب کنار گذاشته می شود. مردم به سراغ کسانی می روند که بتوانند سطح رفاه اجتماعی را ارتقا دهند، اما مهم این است که این آگاهی وجود داشته باشد. متأسفانه بعضی سیاست های کاهش رفاه با ظاهر عوام فریبانه ای ارائه می شود و عوارض آن بیان نمی شود. این رسالت برعهده رسانه هاست که در روشن کردن افکار عمومی تلاش و کاری بکنند که افراد بتوانند تحلیل کنند، لازمه آن، این است که ابتدا خود شاخص به صورت شفاف بیان شود و این گزارش ها مورد تحلیل قرار بگیرد و شاید بهترین جایی که مردم می توانند قریترشان را نشان دهند در پای صندوق های رأی باشد. ما شاهد این هستیم که بعضی وقت ها راهبردهای غلطی ارائه می شود و می گویند مثلاً الان نرخ ها بالا رفته، وضعیت به این

ثابت نگه داشته شود. نه اینکه از راهبرد کسانی استقبال کنیم که از بالا رفتن نرخ ها منتفع می شوند. از نیروهای مولد حمایت کنیم، نه اینکه میدان را به بساز و بفروش ها، مستغلات، کارهای ساختمانی و واسطه گری بدهیم و بعد بگوییم چرا اشتغال ایجاد نمی شود. خب معلوم است وقتی افراد پولشان را در بانک بگذارند و بهره بالا دریافت کنند، در تولید سرمایه گذاری نمی کنند یا دربار واردات شما می دانید که هر یک میلیارد دلار واردات معادل از بین رفتن ۱۰۰ هزار شغل است.

#### ما در برخی کالاها و اجناس با کاهش واردات روبه رو بودیم، حتی رقیب خارجی هم حذف شد، اما آیا توانستیم نرخ را کاهش دهیم؟ به نظر می رسد افزایش نرخ از هیچ استاندارد خاصی تبعیت نمی کند. شاید مشکل اصلی این است که نسبت به کاهش سطح رفاه اجتماعی حساسیتی وجود ندارد، مثلاً نرخ بالا رفت، خب مردم به این وضع هم عادت می کنند و یادشان می رود....

نه چه کسی می گوید واردات کاهش داشته، این طور نیست. شما در بازار نگاه کنید، کجا این اتفاق افتاده است؟ وقتی شاخص رفاه اجتماعی کاهش یابد، یعنی



#### تفکر و یا مطالعه پیاپی و مداوم روزانه!

#### شوگ چند ریشتری به کسل طبقاتی

در این میان با توجه به همه این سؤال ها شاید این مساله مطرح شود که این اتفاقات در فضای مجازی چه پیامدهایی دارد؟ و اینکه مخاطب با یک انفجار لاجبری در فضای مجازی روبه روه شده که ملاک هایش را در برابره رفاه در زندگی تغییر داده، چه تبعاتی خواهد داشت؟

را به اشتراک بگذارد. مثل خانه ای که دارد یا ماشینی که خودش با همسرش خریداری کرده. و واقعیت این است که بخشی از چهره های مشهور به واسطه دیده شدن در قامت یک بازیگر یا فوتبالیست مشهور شده اند و از لحاظ سطح فکری شاید از خیلی از افراد جامعه هم پایین تر باشند. و اصلاً سبک زندگی که دارند سبب شده تا آنها در همین سطح بمانند. یک زندگی فارغ از

شرط بندی در این چندان ماه رونق گرفته می تواند یکی از دلایلش همین استقبال جامعه از به دست آوردن پول های یک شبه و جابه جایی طبقه اقتصادی- اجتماعی خود باشد. این در حالی است که گسترش تولید مواد مخدر و رشد آپشیرخانه های تولید شده و با سرعت های بزرگ خشن از جمله دیگر تبعات این ماجراست که کارشناسان آنها را برمی شمارند.

به واقع بسیاری از صاحب نظران بر این باورند که شاقول قرار دادن فضای مجازی برای سنتش خوشبختی و رفاه می تواند خانواده ایرانی را به نقطه ای غیر قابل بازگشت برگرداند که در آن تمام عنصرهای مغنو که سبب آرامش می شد همچون قناعت و باور به تلاش در مرور زمان رنگ می بازد. این مساله آذما یک فروپاشی شهرنودان گرفته تا زندگی مشترک و روابط کلان تر افراد در سطح جامعه! و در این میان قطعاً باورهای مذهبی و دینی افراد هم از این ماجرا در امان نخواهد بود و مادر آینده شاهد یک موج باورهای سکولار مادی گرا که در آن تنها پول ملاک اصلی برای هر کسی است خواهیم بود؛ موضوعی که همین امروز هم زنگ خطر آن به صدا درآمده و کافی است که خوب گوش کنیم تا این هشدارها را بشنویم!